

جایگاه «مشروعیت قانونی» در گفتمان‌های سیاسی رسمی نظام
جمهوری اسلامی ایران
(۱۳۵۷-۱۳۸۶)

دکتر مریم بیژنی*

دکتر کاظم معتمد نژاد**

دکتر محسن علی‌نی***

تاریخ دریافت: ۸۷/۲/۲۱

تاریخ پذیرش: ۸۸/۸/۲۴

ژurnal
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

چکیده

این مقاله به مطالعه تحول گفتمان‌های سیاسی مطبوعات در حوزه تعامل دین و دولت در ایران با تاکید بر انواع سه‌گانه مشروعیت قدرت سیاسی در اندیشه ماکس وبر می‌پردازد و درصدد است تا ضمن بررسی گفتمان‌های سیاسی رسمی

* دکتری ارتباطات اجتماعی - مدرس دانشگاه

** استاد ارتباطات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی

*** استادیار وزارت جهاد کشاورزی

(دولت) و مشروعیت مورد نظر آن‌ها در نظام جمهوری اسلامی، جایگاه مشروعیت قانونی را در دوران پس از انقلاب مشخص سازد و در عین حال، دور نمایی از وجه غالب مشروعیت در ساختار سیاسی کشور ارائه دهد. تاکید مقاله بر آن است که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، مشروعیت قانونی نظام سیاسی همواره در سایه مشروعیت کاریزماتیک و پس از آن در حاشیه مشروعیت سنتی قرار داشته و به نظر می‌رسد این روند در آینده نیز همچنان تقویت می‌شود.

واژه‌های کلیدی: مشروعیت، قدرت، گفتمان سیاسی رسمی، مشروعیت

کاریزماتیک، مشروعیت سنتی، مشروعیت قانونی، ولایت فقیه

مقدمه

در طول تاریخ، دولت‌ها همواره با یک پرسش اساسی روبه‌رو بوده‌اند که به «منبع مشروعیت سیاسی» باز می‌گردد. به عبارت دیگر، حقیقت دولت در اعمال قدرت و یا عمل حکمرانی ظهور می‌یابد و در همین نقطه موضوع مشروعیت حکومت، یعنی توجیه عقلی قبول سلطه حاکم مطرح می‌شود. پاسخ به این پرسش بر میزان قدرت دولت و حدود آزادی انسان تاثیر می‌گذارد (ظریفیان شفيعی، ۱۳۷۶: ۲۴).

ماکس وبر (M. Weber) در زمره اولین کسانی است که به منابع قدرت و مبانی مشروعیت (Legitimacy) می‌پردازد و سه نوع آرمانی را مطرح می‌کند که عبارتند از: سلطه یا مشروعیت کاریزماتیک، سنتی و قانونی (بشیریه، ۱۳۸۲: ۸۸). در مشروعیت کاریزماتیک، توجیه اقتدار بر مبنای خصوصیات استثنایی رهبر، اعتقاد به لطف و عطیه خارق‌العاده وی و جاذبه‌ها و کشش‌های شخصیتی رهبر که بر روحیه جمعی یک ملت اثر کرده، بر آنها مسلط می‌شود به شکل پذیرش دسته‌جمعی افراد نمود پیدا می‌کند، صورت می‌گیرد (تنهایی، ۱۳۷۹: ۲۹۹). مشروعیت یا سلطه سنتی از پذیرش و تصدیق رسوم و سنن دیرینه مقدس ناشی می‌شود (بشیریه، ۱۳۸۲: ۸۸). اقتدار سنتی، با تکیه بر وراثت، خاندان، پدر سالاری یا سلطنت ایجاد می‌شود (تنهایی، ۱۳۷۹: ۳۰۳). نهاد مذهب به عنوان بنیاد

سنت‌های جامعه اغلب نسبت به حکام سنت شکن واکنش نشان می‌دهد. مهم‌ترین وجوه مشروعیت سنتی عبارتند از: خون، نژاد، ارث، شخصیت و نخبگان ویژه مانند روحانیان (ظریفیان شفیعی، ۱۳۷۶: ۲۸) و سرانجام سلطه یا مشروعیت قانونی که با اعتبار قوانین، صلاحیت کارکردی افراد و نهادها پدید می‌آید (Gerth, 1961: 49) و مبتنی بر کنش عقلانی معطوف به هدف و خالی از هرگونه عنصر اقتدار شخصی یا سنتی است (بشیریه، ۱۳۸۳: ۷۳۰). مشروعیت قانونی یا عقلانی، مبتنی بر قانونی بودن مقررات موجود و حق اعمال سیادت کسانی است که براساس این مقررات به قدرت رسیده‌اند. حکم و اطاعت، نه بر سنت‌های قدیمی یا ویژگی‌های خاص شخص، بلکه بر هنجارهای قانونی و تفکیک وظایف استوار است (ظریفیان شفیعی، ۱۳۷۶: ۲۸).

طرح مسأله

با تغییر نظام سیاسی ایران بر مبنای رفراندوم تعیین رژیم در فروردین ۱۳۵۸، جمهوری اسلامی به عنوان نظام سیاسی با خواست اکثریت مردم انتخاب شد و پس از آن، قانون اساسی جدید برگرفته از اصول اساسی اسلام توسط مجلس خبرگان تدوین شد و طی یک رفراندوم عمومی مورد تصویب قرار گرفت (وردی‌نژاد، ۱۳۷۷: ۳۲۲). پس از استقرار نظام نوپا که صبغه‌ای کاملاً مذهبی داشت، به موازات روی کار آمدن دولت‌های جدید و شکل‌گیری گفتمان‌های سیاسی رسمی، بحث مشروعیت نظام که طبق قانون اساسی میان سه تعبیر وبری از ساختار اقتداری (کاریزماتیک، سنتی و قانونی) در نوسان بود با غلبه وجهی از این اقتدار بر وجوه دیگر در دوره‌های مختلف همراه شد. این امر به ویژه با تثبیت هرچه بیشتر گفتمان‌های سیاسی رسمی (دولت) که تحت تاثیر اعتقادات و باورهای دینی قرار داشتند، بیش از پیش مطرح شد؛ به گونه‌ای که در طول دوره پس از انقلاب، دولت‌های مختلفی که مروج نوع خاصی از گفتمان سیاسی بودند هر یک وجهی از وجوه سه‌گانه مشروعیت را مورد تاکید قرار دادند و اقتدار نظام

سیاسی کشور را بر یکی از پایه‌های مشروعیت سنتی، کاریزماتیک و قانونی استوارتر دیدند.

به نظر می‌رسد بررسی و شناخت نوع غالب مشروعیت از منظر دولت‌های پس از انقلاب اسلامی، دورنمایی از ساز و کار جریان قدرت را عرضه می‌کند که در کلیت خود می‌تواند مبین تعریف گفتمان‌های سیاسی رسمی از قدرت، مشروعیت و اقتدار نظام سیاسی در ایران باشد.

اهمیت این موضوع از آن جهت است که در سالیان گذشته همواره سه محور مذهب، سنت و مردم به عنوان محورهای اصلی نظام مطرح بوده‌اند و تاکید همزمان قانون اساسی بر حاکمیت احکام و قوانین الهی، نهاد ولایت فقیه، نخبگان دینی، نهادهای قانون‌گذاری و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی از طریق برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شورای شهر و... به تناوب، سه ساختار مشروعیت وبری را به عنوان منبع مشروعیت سیاسی، مورد توجه قرار داده و در ایجاد منازعات گفتمانی و تنش‌های سیاسی پس از انقلاب اسلامی تاثیرگذار بوده است. این امر به ویژه در مقاطعی همچون انتقال قدرت از دولتی به دولت دیگر مشهود است و همواره این پرسش اساسی مطرح می‌شود که به رغم تاکید قانون اساسی بر منابع سه‌گانه مشروعیت، اقتدار نظام سیاسی ایران به کدام نوع از انواع مشروعیت سیاسی متکی است و وجه غالب و تغذیه‌کننده ساختار قدرت در ایران از کدامین منبع اساسی سرچشمه می‌گیرد؟ قداست فرد و اعتقاد به ارزش‌های شخصی رهبر، قداست سنت‌های موجود و نخبگان دینی و یا اعتقاد به قانونی بودن مقررات، تفکیک قوا و عقلانیت (استونز، ۱۳۷۹: ۶۸-۶۶) و در این میان با توجه به تجربیات گفتمانی دولت‌ها در طول سه دهه گذشته، مشروعیت قانونی نظام که ضامن سرشت عقلانی مقررات وضع شده، بوروکراسی مبنی برهنجارهای عینی و قانونی و اصالت رای مردم است (ظریفیان شفیعی، ۱۳۷۶: ۲۸) از چه جایگاهی برخوردار است؟

سؤالات تحقیق

- ۱- منبع اساسی قدرت در جمهوری اسلامی از منظر گفتمان‌های سیاسی رسمی در دوره‌های مورد بررسی چیست؟
- ۲- رابطه سه نوع اقتدار نظام سیاسی ایران (ارزش‌های شخصی رهبر، قداست‌های سنت‌های موجود و اعتقاد به قانونی بودن مقررات و تفکیک قوا) چگونه است؟
- ۳- مشروعیت قانونی در چه دوره‌های تاریخی و از منظر کدام گفتمان‌های سیاسی رسمی، مشروعیت غالب ساختار سیاسی کشور تلقی می‌شود؟
- ۴- آینده نظام سیاسی ایران با توجه به نوسان اقتدار سیاسی (کاریزماتیک، سنتی و قانونی) در جامعه چگونه است؟
- ۵- در آینده نظام سیاسی ایران، مشروعیت قانونی در مقایسه با مشروعیت کاریزماتیک و سنتی از چه جایگاهی برخوردار است؟

چارچوب نظری

چارچوب نظری پژوهش، تلفیقی است از نظریه ربطی گفتمان «لاکلو» (Laclau) و موفی (Mouffe) از متفکران پسا ساختارگرا، الگوی تحلیل گفتمان نورمن فرکلاف (N.Fairclough) از تحلیل گران انتقادی گفتمان و نظریه ماکس وبر (M.Weber) پیرامون مشروعیت و سلطه.

نظریه ربطی گفتمان که همه اعمال، پدیده‌ها و رویدادهای سیاسی و اجتماعی را گفتمانی می‌داند، به تحلیل منازعات معنایی میان گفتمان‌ها در بستر اجتماعی- سیاسی دوره‌های کلان می‌پردازد و مبتنی بر آرای فوکو (M.Foucault) پیرامون قدرت، گرامشی (A.Gramsci) درباره هژمونی، آلتوسر (L.Althusser) و لاکان (J.Lacan) در مورد انقیاد سوژه توسط ایدئولوژی و دریدا (J.Derrida) در مورد بی‌ثباتی معناست.

نظریه ربطی گفتمان از آن رو مورد استفاده قرار گرفته است تا مشخص شود گفتمان‌های سیاسی رسمی در هر دوره، چگونه با خلق رویدادهای سیاسی، اجتماعی و یا نحوه خاص موضع‌گیری در برابر آن‌ها، نظام معنایی خود را در حوزه مشروعیت سیاسی ساختار قدرت باز تولید کرده‌اند. اگرچه نظریه ربطی گفتمان برای تحلیل سیستماتیک دوره‌های کلان، کارایی بسیار دارد، اما فاقد ابزارهای خرد زبان‌شناختی برای تحلیل متن است. به همین دلیل از الگوی تحلیل گفتمان فرکلاف که متن را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین مورد بررسی قرار می‌دهد (سلطانی، ۱۳۸۳: ۹۵) استفاده شده است. برای تعیین نوع مشروعیت سیاسی مورد نظر گفتمان دولت و جایگاه مشروعیت قانونی از منظر آن در هر دوره نیز از منابع سه‌گانه اقتدار وبری استفاده شده است، زیرا جوامع و گفتمان‌های سیاسی، ارتباط نزدیکی با موضوع قدرت و مشروعیت سیاسی پیدا می‌کنند (وبر، ۱۳۷۳: ۱۹-۱۸).

روش شناسی

این مقاله، برگرفته از پژوهشی با عنوان «تحول گفتمان‌های سیاسی مطبوعات در حوزه تعامل دین و دولت (پس از انقلاب اسلامی)» است که با استفاده از روش تحلیل گفتمان و روش اسنادی انجام شده است. روش تحلیل گفتمان که در زمره روش‌های کیفی قرار می‌گیرد، حاصل مطالعه زبان به عنوان پدیده اجتماعی است و از کارایی لازم برای تحلیل سیستماتیک ساختار و محتوای مطبوعات برخوردار است (سلطانی، ۱۳۸۴: ۶۶) و به رابطه زبان، قدرت و ایدئولوژی می‌پردازد (سلطانی، ۱۳۸۳: ۶۱).

همچنین با استفاده از روش اسنادی و با استناد به چارچوب نظری، دوران کلان پس از انقلاب اسلامی تا زمان انجام پژوهش (۱۳۸۶) در شش دوره تاریخی بر مبنای شکل‌گیری گفتمان سیاسی رسمی (دولت) در هر دوره و دیدگاه آن به مشروعیت ساختار سیاسی و جایگاه مشروعیت قانونی در این دیدگاه مطالعه می‌شود. جامعه آماری در این پژوهش تمامی سرمقاله‌ها و یادداشت‌های سیاسی منتشر شده در همسوترین روزنامه

وابسته به دولت است که از طریق تعیین اعتبار صوری و مراجعه به دیدگاه صاحب نظران در سه حوزه علوم سیاسی، علوم ارتباطات و مطبوعات انتخاب شده‌اند و برای دوره‌های کمتر از چهارسال (دوره اول، دوم و ششم) سرمقاله‌ها و یادداشت‌های سیاسی سال اول روی کار آمدن دولت جدید و برای دوره‌های بیش از چهار سال (دوره سوم، چهارم و پنجم) سرمقاله‌ها و یادداشت‌های سیاسی سال‌های اول، چهارم و هشتم مورد بررسی قرار گرفتند تا پوشش کاملی در مورد متن‌های مربوط به گفتمان‌های سیاسی رسمی صورت گرفته باشد. نمونه‌گیری نیز براساس مطالعه تمام متون مرتبط با موضوع و انتخاب سه متن معرف با استفاده از شیوه نمونه‌گیری هدفمند یا قضاوتی صورت گرفته که امکان انتخاب نزدیک‌ترین متن به دیدگاه گفتمان سیاسی پیرامون موضوع پژوهش را فراهم می‌کند، و بدین ترتیب، مهم‌ترین نشانه‌ها و مولفه‌های گفتمانی پیرامون موضوع پژوهش از یک سو و شاخص‌ترین منابع مشروعیت سیاسی از منظر گفتمان دولت در سطح توصیف و جایگاه مشروعیت قانونی از منظر گفتمان سیاسی رسمی در سطح تفسیر و تبیین در هر دوره، مشخص شده است.

دوره اول: گفتمان لیبرال دموکراسی انسانی و مطالعات فرهنگی

بسترها و زمینه‌های سیاسی، اجتماعی سال‌های ۵۸-۱۳۵۷

با حکم امام‌خمينی در روز ۱۶ بهمن ۱۳۵۷، مهندس مهدی بازرگان، دولت موقت را با کابینه‌ای متشکل از اعضای جبهه ملی، نهضت آزادی و احزابی همچون حزب جاما، حزب خداپرستان سوسیالیست و انجمن اسلامی مهندسين تشکیل داد (جوانبخت، ۱۳۸۲: ۵۶) و در حالی که پس از پیروزی انقلاب، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی، آماده تصرف بلوک قدرت می‌شدند، گفتمان سیاسی دولت با تاکید بر تفسیر تجدد گرایانه از حکومت اسلامی، حمایت از حضور چهره‌های میانه‌رو و تحصیل کرده در ارکان قدرت، اداره کشور در چارچوب شیوه‌های پارلمانی و تساهل با سایر کشورها به ویژه جهان غرب، (تاجیک، ۱۳۸۲: ۱۸۸) جمهوری دموکراتیک اسلامی، تهیه و تدوین قانون اساسی نزدیک

به قانون اساسی مشروطیت با خصلتی سکولار، تفکیک قوا، تمایز بین امر دینی و امر سیاسی، حاکمیت مردم و مشارکت آنان در اداره جامعه (بشیریه، ۱۳۸۲: ۳۴) شکل گرفت. در دوره اول اگرچه به دلیل حضور رهبر انقلاب، مشروعیت کاریزماتیک نظام، مورد پذیرش همه گروه‌ها و جریان‌های سیاسی حتی گروه‌های چپ غیرمذهبی قرار داشت اما به دلیل حضور نهاد روحانیت در برخی از مهم‌ترین مراجع تصمیم‌گیری همچون شورای انقلاب و مجلس خبرگان، ماهیت دینی انقلاب و جایگاه رهبر به عنوان مرجع تقلید شیعیان در سلسله مراتب روحانیت، مشروعیت سنتی نظام نیز از اهمیت و ویژگی خاصی برخوردار بود. با این حال دولت موقت بر ضرورت مشروعیت قانونی نظام پافشاری می‌کرد و در مقابل هرگونه حرکتی که حاکی از برتری مشروعیت سنتی ساختار سیاسی می‌شد، مانند تفسیر فقهی از حکومت اسلامی و دینداری، وضع قوانین بر اساس فقه اسلامی، حضور روحانیان در نهادهای تصمیم‌گیری، وضع خطوط قرمز بر اساس ملاحظات دینی، تاکید بر دین ایدئولوژیک، قرائت رادیکال از انقلاب و... (تاجیک، ۱۳۸۲: ۱۸۹) ایستادگی می‌کرد.

در این دوره اگرچه به دلیل ماهیت مردمی انقلاب و نیاز به بسیج توده‌ای، گفتمان‌های سیاسی اسلام‌گرا نیز از مشروعیت قانونی نظام سخن می‌گفتند، اما تفاوت بین آن‌ها و دولت، در طرز تلقی و شیوه‌های به کارگیری ابزارهای تحقق آن همچون انتخابات آزاد، رقابت سالم، حاکمیت قانون، تنوع اندیشه، مشارکت مدنی، گردش دموکراتیک نخبگان و... (آقاجری، ۱۳۸۱: ۷۲) خلاصه می‌شد.

در دوره اول به موازات تثبیت خطوط ایدئولوژیک انقلاب و تداوم و تقویت خصلت‌های دینی و سنتی نظام سیاسی جدید که با قدرت گرفتن تدریجی روحانیت و نهادهای سنتی و مهم‌تر از آن، پشتیبانی و حمایت رهبر انقلاب از روحانیان به عنوان ستون اصلی انقلاب (مظفر، ۱۳۵۸: ۲۵۸) همراه بود، در کشور حاکمیت دوگانه‌ای برقرار شد که بخشی از آن در قالب گفتمان دولت برای نظام سیاسی جدید، اقتدار قانونی و

بخشی دیگر در قالب گفتمان‌های اسلام‌گرای انقلابی و متقد دولت، اقتدار سنتی را مطلوب می‌دانستند.

متن اول

قانون اساسی، پیش به سوی آزادی برای همه

«هرچه زمان پیش می‌رود در حالی که خروش و بی‌تابی انقلابی در پهنه ایران فرو می‌نشیند..... مردم منتظرند تا گوهر یگانه‌ای را که در راهش خون و شهید داده‌اند به چنگ آورند و آن گوهر آزادی است. با جرات می‌توان گفت که قانون اساسی ایران دموکراتیک و برآورنده آزادی‌های عمومی مردم خواهد بود..... سخنان معاون وزارت کشور که در آن رئوس قانون اساسی جدید به وضوح از موضعی دموکراتیک بیان شده بود نشان می‌دهد..... حرکت جامعه به سوی ایرانی آزاد است.... اگر بپذیریم که انقلاب ایران از نظر طبقاتی انقلابی «بورژوا- دموکراتیک» است.... عمده‌ترین خواست‌های جامعه را در این لحظه آزادی‌های عمومی تشکیل می‌دهد..... مهم‌ترین خواست رهبر انقلاب، متفکران اسلامی و دولتمردان اینهاست: آزادی بیان، اجتماعات، احزاب و مطبوعات و آزادی مردم در اداره کشور از طریق شوراها.... می‌توان انتظار داشت قانون اساسی جدید حق مردم را در اداره کشور به رسمیت بشناسد و با روشن کردن وظایف، آنها را به ارگان‌های اعمال قدرت تبدیل کند. می‌توان انتظار داشت همه سازمان‌های اجتماعی اعم از صنفی و سیاسی با آزادی کامل فعالیت کنند، تمام قوانین و مقررات محدود کننده آزادی‌های عمومی ناپود شود و خواست‌های همه اقشار مردم از طریق انتخابات آزاد و ورود نمایندگان آنها به مجلس در قانون اساسی ایران منعکس شود.....»

کیهان- چهارشنبه ۸ فروردین ۱۳۵۸- شماره ۱۰۶۶۹

توصیف

• واژگان

- **مثبت:** آزادی، دموکراتیک، آزادی‌های عمومی، ایرانی آزاد، آزادی بیان، اجتماعات، احزاب و مطبوعات، آزادی مردم، خواست اقشار مردم، انتخابات آزاد.

- **منفی:** _____

• افراد و نهادهای مطرح شده در متن

- **مثبت:** مردم، قانون اساسی دموکراتیک ایران، معاون وزارت کشور، رهبر انقلاب، متفکران اسلامی، دولتمردان، شوراهای نمایندگان مردم، مجلس.

- **منفی:** قوانین و مقررات محدود کننده آزادی‌های عمومی.

• منابع مشروعیت سیاسی

کاریزماتیک (رهبر انقلاب)، قانونی (قانون اساسی دموکراتیک، مردم به عنوان ارگان‌های اعمال قدرت، اداره کشور توسط مردم از طریق شوراهای، ورود نمایندگان به مجلس از طریق انتخابات آزاد).

• تفسیر و تبیین اطلاعات متن

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، متن، واژه مثبت «آزادی» را به اشکال مختلف مورد تاکید قرار می‌دهد و تمرکز و توجه نویسنده متن بر ضرورت ایجاد شرایطی است که در آن افراد، حق انتخاب، اعمال نظر و اعمال قدرت در اداره کشور را داشته باشند؛ ضمن آنکه این فضای وسیع و آزاد برای افراد جامعه باید توسط قوانین، به ویژه قانون اساسی، حمایت شود. در چنین جامعه‌ای است که افراد و نهادهایی همچون شوراهای، نمایندگان مجلس و مردم، از زاویه مثبت ارزیابی می‌شوند و هر آنچه که قانون و آزادی را محدود کند، در وجه منفی قرار می‌گیرد. مهم‌ترین منابع مشروعیت سیاسی نیز تحت تاثیر شخصیت رهبر انقلاب کاریزماتیک و با تاکید متن بر وضع قوانین دموکراتیک از طریق برگزاری انتخابات آزاد، تدوین قانون اساسی دموکراتیک، شکل‌گیری شوراهای و نقش مردم به عنوان ارگان‌های اعمال قدرت، قانونی است.

دوره دوم: گفتمان سیاسی سوسیال دموکراسی

بسترها و زمینه‌های سیاسی، اجتماعی سال‌های ۶۰-۱۳۵۸

با استعفای دولت موقت در آبان ۱۳۵۸ و برگزاری اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری، ابوالحسن بنی‌صدر با حمایت بخشی از گروه‌ها، انجمن‌ها و جمعیت‌های اسلامی، از سوی مردم انتخاب شد. وی به دلیل وجود دو نوع نگرش متفاوت در درون حکومت که او را با محدودیت‌هایی روبه‌رو می‌کرد، سرانجام محمدعلی رجایی را که به حزب جمهوری اسلامی نزدیک بود به عنوان نخست‌وزیر انتخاب کرد و از این رو، دولتی با بافت دوگانه و متضاد به وجود آمد. رییس‌جمهور و برخی اعضای دولت، از برنامه‌هایی نظیر ملی کردن بانک‌ها و صنایع حمایت می‌کردند و با پشتیبانی برخی از گروه‌های چپ، درصدد تحقق نوعی سوسیال دموکراسی اسلامی بودند (کدی، ۱۳۸۳: ۳۱). در این دوره، قانون اساسی جمهوری اسلامی تصویب شد که یکی از مهم‌ترین اصول آن «ولایت فقیه» بود و بدین ترتیب، عمیق‌ترین پیوند «قدرت سیاسی» و «دین» در نظام جمهوری اسلامی با تصویب این اصل صورت گرفت و اقتدار کارزمایی و سنتی در نهاد ولایت فقیه ادغام شد. اگرچه همچنان عنصر کارزمایی رهبری بر عنصر سنتی غلبه داشت و به نظر می‌رسید مشروعیت سنتی نظام به رغم حضور رسمی‌تر و گسترده‌تر روحانیت در سلسله مراتب قدرت، همچنان در سایه این عنصر قرار می‌گیرد (بشیریه، ۱۳۸۲: ۹۰).

با تصویب اصل ولایت فقیه، حامیان مشروعیت سنتی نظام که در مقابل بنی‌صدر، از نخست‌وزیر حمایت می‌کردند، به تلقی رییس‌جمهور از ولایت فقیه معترض شدند و با تشدید اختلافاتی که از پیش وجود داشت، بنی‌صدر به یکی از منتقدان جدی دولت خود تبدیل شد (انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹: ۱).

گفتمان سیاسی سوسیال دموکراسی در این دوره، اگرچه برای حفظ قدرت و حمایت رهبر انقلاب، هر سه وجه اقتدار نظام را به تناوب مورد تاکید قرار می‌داد، اما هرچه به انتهای این دوره نزدیک‌تر می‌شد، برای مقابله با مخالفت سنت‌گرایان و چهره‌های

رادیکال انقلاب که رییس جمهور را به عدم التزام عملی و نظری به ولایت فقیه متهم می‌کردند، بر ابزارهای تحقق مشروعیت قانونی تاکید بیشتری می‌کرد. این امر با وقوع جنگ و استفاده حامیان مشروعیت سنتی از آن برای انسجام درونی جامعه و وحدت داخلی از طریق ایدئولوژیک کردن آن (قبادزاده، ۱۳۸۱: ۱۳۲) شدت گرفت.

متن دوم

جنگ روانی و تضعیف روحانیت

« چه کسانی قصد تضعیف روحانیت را دارند؟..... اینک گروهی از روحانیون در حساس‌ترین مواضع تصمیم‌گیری این جمهوری قرار گرفته‌اند و عملاً «حرف آخر» در عالی‌ترین مشاغل قضایی و اجرایی با آنهاست. آیا دعوت آنان به عمل به قانون اساسی و انتقاد از اشتباهات آنها به معنای تضعیف روحانیت است؟..... اسلام دین حقوق متقابل است، حق حکومت بر مردم و حق مردم بر حکومت..... با تکیه بر کلام امام علی(ع) آشکار می‌شود که در نظام حکومت اسلامی، حق مشارکت مردم در حکومت از طرق مختلف تامین شده است..... اصل حقوق متقابل ایجاب می‌کند که مردم به عنوان مظهر حاکمیت الهی، مسئولان حکومتی را بی‌هیچ واهمه‌ای ارشاد و انتقاد کنند..... پس از پیروزی انقلاب بخشی از روحانیت مجاری امور حساس مملکتی را در دست گرفت و به حکم قانون و عملاً در امور اجرایی و قضایی و قانونگذاری عهده‌دار تصمیمات نهایی شد..... چنین تحولی رابطه اختیاری مردم با این گروه را به رابطه‌ای سیاسی و تعبدی بدل کرده است..... بنابراین این گروه باید در چارچوب مقررات و قوانین مدرن مملکتی عمل کنند..... قانون اساسی جمهوری اسلامی که به گفته امام قانونی است که خلاف اسلام در آن نیست هیچ فرد و طبقه خاصی را از مسئولیت و تکلیفی که ناشی از تفویض اختیارات قانونی است مبرا نمی‌داند. در غیر این صورت اساس جمهوری اسلامی که باید بر پایه قانون و مقررات و اصل تفکیک قوا باشد از هم خواهد گسیخت و خودکامگی جانشین قانون و نظم خواهد شد..... »

توصیف

• واژگان

- مثبت: اسلام، حقوق متقابل، مشارکت مردم، حاکمیت الهی، ارشاد، انتقاد، قانون، امور حساس مملکتی، مسئولیت، تکلیف، تعویض اختیارات قانونی، نظم.

- منفی: تضعیف، رابطه تبعدی، خلاف اسلام، خودکامگی.

• افراد و نهادهای مطرح شده در متن

- مثبت: قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران، مردم، امام علی (ع)، نظام حکومت اسلامی، مقررات و قوانین مدون، امام، اصل تفکیک قوا.

- منفی: بخشی از روحانیت عهده‌دار امور مملکتی.

• منابع مشروعیت سیاسی

کاریزماتیک (امام)، قانونی (قانون اساسی، حق مردم بر حکومت، حق مشارکت مردم در حکومت، مردم به عنوان مظهر حاکمیت الهی، مقررات و قوانین مدون، اصل تفکیک قوا).

• تفسیر و تبیین اطلاعات متن

در متن، واژه‌های مثبت «اسلام» و «مشارکت مردم»، نشان از جامعه اسلامی دارند که در آن، امکان ارشاد و انتقاد روحانیون مسئول از سوی افراد جامعه به عنوان مظهر حاکمیت ملی فراهم است و این انتقاد زمانی صورت می‌گیرد که مسئولان روحانی، از چارچوب مقررات و قوانین مدون خارج می‌شوند و درصددند تا رابطه خود با مردم را که براساس اصل حقوق متقابل، نقش مشارکتی در حکومت را به عهده دارند به رابطه‌ای تبعدی و دستوری تبدیل کنند. از این رو، تاکید متن بر افراد و نهادهای منفی با استفاده از دو ویژگی عدم پاسخگویی به مردم و عدم رعایت قوانین و مقررات صورت می‌گیرد و رعایت قانون، نظم، اصل تفکیک قوا و... ابزارهای خط‌کشی میان حامیان مردم و مخالفان آن است. منابع مشروعیت سیاسی نیز در متن عبارتند از کاریزماتیک (امام) و قانونی (قانون اساسی، مشارکت مردم، ارشاد و انتقاد مردم از روحانیان مسئول، اصل تفکیک قوا

و...). با این حال، متن به طور کامل، مشروعیت سنتی نظام را نفی نمی‌کند، بلکه بر عدم پاسخگو بودن، عدم پذیرش نقد قدرت و خروج از قوانین و مقررات بخشی از روحانیت در ساختار سیاسی نظام صحه می‌گذارد.

دوره سوم: گفتمان سیاسی چپ سنتی

بسترها و زمینه‌های سیاسی - اجتماعی سال‌های ۶۸-۱۳۶۰

در خرداد ۱۳۶۰، پس از تصویب طرح عدم کفایت بنی‌صدر در مجلس شورای اسلامی، دومین انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد، اما به دلیل درگیری‌های مسلحانه برخی گروه‌های سیاسی با نیروهای انقلابی و بمب‌گذاری و انفجارهای متعدد، محمدعلی رجایی، رئیس‌جمهور و مهندس باهنر، نخست‌وزیر به شهادت رسیدند و در پی انتخاباتی دیگر حجت‌الاسلام سید علی خامنه‌ای و میرحسین موسوی عهده‌دار قوه مجریه شدند (کدی، ۱۳۸۳: ۳۷-۳۶).

در ابتدای این دوره و در شرایطی که گروه‌ها و جریان‌های سیاسی مخالف به مرور از صحنه سیاست خارج شدند، بستر گفتمان دولت جدید با نشانه‌هایی همچون قسط و عدالت اسلامی، فقه اسلامی، نگاه ایدئولوژیک به اقتصاد و سیاست، حضور نخبگان مکتبی در عرصه قدرت، اصل نه شرقی نه غربی و... شکل گرفت (کیهان، ۱۳۶۰: ۱۴).

این گفتمان، با تثبیت ارکان رژیم جمهوری اسلامی پس از سال‌های ۱۳۶۰ و شکل‌گیری دو جناح عمده سیاسی به دلیل حمایت از اقتصاد دولتی، عدالت‌طلبی و مخالفت با بخش خصوصی و بازار آزاد، چپ سنتی نامیده شد (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۳۶۲). اما پس از مدتی با تشدید اختلاف با جناح راست به ویژه در حوزه اقتصاد و سیاست خارجی، به نظر می‌رسید که بیشتر از جناح رقیب مورد حمایت رهبر انقلاب قرار دارد و در سایه این حمایت به تدریج مفاهیمی همچون فقه پویا، احکام ثانویه و مصلحت‌نظام را که تنها در سایه ویژگی‌های منحصر به فرد رهبر انقلاب امکان مطرح شدن یافته بودند، مورد تاکید قرارداد (همان).

در این دوره تحت تاثیر بخشی از سخنان رهبر که تاکید بیش از حد بر فقه را نقض قانون اساسی می‌نامید و برای حل معضلات داخلی و خارجی نظام، دولتمردان را به استفاده از راه‌های دیگری از فقه و سنت تشویق می‌کرد (امام خمینی، ۱۳۷۱: ۶۱) و همچنین عهده‌داری و تشکیل حکومت از سوی ولی فقیه را به رای اکثریت مردم مشروط می‌ساخت، زمزمه‌های نارضایتی از سوی افراد حامی مشروعیت سنتی نظام شنیده شد. با این حال، نگاه گفتمان دولت به مردم و مشارکت آن‌ها پس از هدایت از طریق نهاد روحانیت، حاکی از برتری وجه سنتی نظام بر وجه قانونی آن بود.

متن سوم

قیام خونین خرداد و رسالت‌های کنونی روحانیت

«..... بخشی از روحانیت که با اسلام و انقلاب پیوند خورده است باید روشن نماید که شاخص‌ها و معیارهایی که عامل قرب و بعد یا دوری و نزدیکی مردم، قوانین و نظام از رهبری در جامعه مذهبی و اسلامی ما باشد چیست؟..... امام خمینی صالح‌ترین فرد برای تفسیر و تحلیل نهضت ۱۵ خرداد می‌فرماید: ۱۵ خرداد برای اسلام و به اسم اسلام بود و به راهنمایی روحانیت..... در اینجا امام روی سه نکته یعنی اسلام به مثابه یک دین، نظام اعتقادی و مکتب، روحانیت به مثابه رهبری و هدایت جامعه و اқشار مستضعف..... تاکید می‌کند. ۱۵ خردا را می‌توان سرآغاز ورود جدی و همه جانبه روحانیت به صحنه سیاست دانست که همچنان ادامه دارد..... طرح شعار محوری تشکیل حکومت اسلامی از جانب امام خمینی دو ضرورت عمده را به وجود آورد. از طرفی اسلام می‌باید به عنوان یک مکتب، ایدئولوژی و نظام فکری مدون می‌گردید..... و از طرف دیگر روحانیت به عنوان وارث و حافظ اندیشه و اعتقادات اسلامی عهده‌دار رسالت بناسازی نظام حکومتی اسلام گردید..... اکنون مسلم است که روحانیت نقش عنصر آگاه، پیشتاز و رهبری کننده نظام جمهوری اسلامی و مردم را به عهده دارد.»

توصیف

● واژگان

- مثبت: اسلام، انقلاب، جامعه مذهبی، نظام اعتقادی، مکتب، ایدئولوژی، هدایت جامعه، اعتقادات اسلامی، عنصر آگاه.

- منفی: _____

● افراد و نهادهای مطرح شده در متن

- مثبت: روحانیت، امام خمینی، حکومت اسلامی، نظام جمهوری اسلامی، مردم، اقشار مستضعف.

- منفی: _____

● منابع مشروعیت سیاسی

کاریزماتیک (امام خمینی)، سنتی (روحانیت).

● تفسیر و تبیین اطلاعات متن

در متن، اگرچه «مردم» و «اقشار مستضعف» از جمله واژه‌های مثبت به شمار می‌روند، اما به نظر می‌رسد ناآگاه و ناتوان از تشخیص درست هستند و به همین دلیل باید مورد حمایت و راهنمایی و رهبری روحانیت قرار گیرند. اهمیت نهاد روحانیت، نه فقط به دلیل هدایت مردم بلکه در تعیین معیارها و ابزارهای دوری یا نزدیکی ملت، نظام و قوانین به رهبری و تحقق جامعه مذهبی و اسلامی ایران است. از این رو اسلام به عنوان مکتب و ایدئولوژی، مردم به عنوان اقشاری ناآگاه در انتخاب و اتخاذ مواضع درست و روحانیت به عنوان تنها نهاد مناسب برای پی‌ریزی نظام حکومتی اسلام در گفتمان دولت مطرح می‌شوند و تاکید متن بر حضور جدی و همه جانبه روحانیت در ساختار نظام سیاسی از یک طرف و نقش پدر سالاری این نهاد در برابر مردم، حاکی از اولویت مشروعیت سنتی نظام است. به نظر می‌رسد نگاه متن به رهبر انقلاب نیز بیشتر از این زاویه صورت می‌گیرد.

دوره چهارم: گفتمان سیاسی راست میانه

بسترها و زمینه‌های سیاسی - اجتماعی سال‌های ۷۶ - ۱۳۶۸

پنجمین انتخابات ریاست جمهوری زمانی برگزار شد که پیش از آن، چند رویداد مهم، صحنه سیاسی کشور را متاثر کرده بود. از جمله بازنگری قانون اساسی و تقویت ویژگی‌های سیاسی و تضعیف ویژگی‌های دینی ولی فقیه (کدی، ۱۳۸۳: ۴۸)، پایان جنگ هشت ساله و فقدان رهبری کاریزماتیک امام که جدی‌ترین تغییر در عرصه سیاسی کشور محسوب می‌شد و تا آن زمان، بیشترین بار مشروعیتی نظام از طریق شخصیت کاریزمایی، سنتی رهبر به دست آمده بود (قبادزاده، ۱۳۸۱: ۱۲۷).

دولت پس از آنکه آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر جدید نظام از سوی مجلس خبرگان انتخاب شد در شرایطی روی کار آمد که با حذف کامل گروه‌ها و جریان‌های سیاسی مخالف دوره‌های پیشین، دو طیف عمده سیاسی که چپ سنتی و راست سنتی نامیده می‌شدند همچنان برای حفظ بلوک قدرت تلاش می‌کردند. با این حال با روی کار آمدن دولت جدید زمزمه‌هایی مبنی بر شکل‌گیری گفتمانی نو با نشانه‌هایی همچون سازندگی، رفاه، توسعه، بازسازی اقتصادی (حسینی زاده، ۱۳۸۶: ۳۷۷) و جامع‌نگری و تنش‌زدایی با غرب (اطلاعات، ۱۳۶۸: ۱) شنیده شد. اعضای کابینه نیز، گروهی از روحانیون «عمل‌گرا» و تکنوکرات‌های تحصیل کرده بودند که قبلاً در سطوح مختلفی در درون نظام فعالیت داشتند. گفتمان دولت اگرچه در حوزه اقتصادی، نشانه‌های جدید ارائه می‌کرد اما به لحاظ فکری و عقیدتی به گفتمان راست سنتی نزدیک بود و با ائتلاف با این جریان، حضور روحانیت در عرصه قدرت به ویژه در نهادهایی همچون مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و قوه قضائیه را مورد توجه قرار داد و با تأکید بر جایگاه ولایت فقیه در نظام سیاسی کشور، اسلامیت نظام را برجسته ساخت. بدین ترتیب به نظر می‌رسد با رحلت امام، مشروعیت سنتی به عنوان مهم‌ترین منبع مشروعیت سیاسی از سوی گفتمان دولت تلقی شد و روند به حاشیه رفتن مشروعیت قانونی که از دوره قبل شدت گرفته بود، تداوم یافت. با این حال اگرچه در

این دوره، همواره به نهاد ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی به عنوان مظاهر اصلی اقتدار قانونی اشاره می‌شد اما به نظر می‌رسید برخی از اختیارات که طبق قانون اساسی در اختیار نهاد روحانیت قرار گرفته بود، همچون نظارت استصوابی شورای نگهبان، قدرت انتخاب مردم، رقابت بین افراد و تحقق خواسته و رای اکثریت مردم را تحت تاثیر قرار می‌داد.

متن چهارم

وحدت و صمیمیت را قدر بدانیم

«..... اکنون در آستانه انتخابات جدید ریاست جمهوری قرار داریم و ذکر چند نکته ضروری است..... باید تلاش کنیم هر چه بیشتر مردم در این انتخابات مشارکت کنند. مشارکت مردم به وجود یک فضای سیاسی سالم و امانت و صداقت مجریان انتخاب بستگی دارد..... نکته دیگر بحث روحانیت و جایگاه وسیع آن است که عده‌ای بنا به مصالحی یا بنا به نگرش‌های خاصی بحث خطیر حذف روحانیت و تکرار مشروطیت را شروع کرده‌اند. استحکام موقعیت روحانیت در کشور ریشه در آگاهی وسیع مردم و هوشیاری و هوشمندی روحانیون داشته و این امر با هدایت امام راحل و پشتیبانی و حمایت همه جانبه مردم در قانون اساسی ثبت شده است. در انقلاب مشروطیت، کناره‌گیری علما و شیطنت روشنفکران غرب زده و حذف مردم از صحنه تصمیم‌گیری باعث انحراف شد. امروز حضور نیرومند روشنفکران مسلمان، عاشق رهبری و امام در صحنه اداره کشور به عنوان مکمل روحانیت و رهبری نقطه اتکای نظام به شمار می‌رود. آنان پیرامون شخصیت‌های برجسته روحانی کشور حلقه زده‌اند تا از کیان اسلام، انقلاب و روحانیت دفاع کنند و به اتفاق هم نظام جمهوری اسلامی را بر پایه وضع قوانین و اصولی که از خردمندی روحانیون سرچشمه می‌گیرد، به پیش ببرند.»

توصیف

• واژگان

- مثبت: مشارکت، فضای سیاسی سال.م، آگاهی وسیع مردم، انتخابات، کیان اسلام و انقلاب.

- منفی: حذف، کناره‌گیری، انحراف.

• افراد و نهادهای مطرح شده در متن

- مثبت: مردم، روحانیت، امام، قانون اساسی، علما، روشنفکران مسلمان و عاشق رهبری و امام، شخصیت‌های برجسته روحانی، نظام جمهوری اسلامی، رهبری.

- منفی: روشنفکران غرب‌زده، عده‌ایی با نگرش حذف روحانیت.

• منابع مشروعیت سیاسی

سنی (روحانیت، رهبری، علما)، قانونی (مشارکت مردم).

• تفسیر و تبیین اطلاعات متن

در متن، واژه‌های مثبت «مردم» و «مشارکت»، حاکی از تأکید بر حضور مردم، به ویژه در فعالیت‌های سیاسی مانند انتخابات است و همچنین ایفای نقش توسط مردم به عنوان عاملی برای ایجاد یک فضای سیاسی سالم مورد تأکید قرار می‌گیرد، اما اهمیت بیش‌تر به جایگاه روحانیت داده می‌شود که به تعبیر نویسنده، در تاریخ ایران هر بار از صحنه سیاست کنار گذاشته شدند، نتیجه‌ای جز انحراف و نابه‌سامانی نداشته است و این حذف نیز همواره از سوی غرب‌زده‌ها صورت گرفته که علاوه بر حذف علما، خواستار حذف مردم نیز هستند. اما در نظام جمهوری اسلامی که جایگاه وسیع روحانیت در آن در مهم‌ترین قانون کشور، یعنی قانون اساسی تثبیت شده است، روشنفکران مسلمانی حضور دارند که برخلاف غرب‌زده‌ها عاشق رهبری هستند و به شدت از حضور روحانیت به عنوان نقطه اتکای نظام حمایت می‌کنند. در نظام جمهوری اسلامی، قوانین اگر توسط روحانیان وضع شود، قوانینی خردمندانه هستند و اگر مردم خواستار حضور روحانیت در ساختار قدرت باشند، آگاه به شمار می‌روند و حفظ کیان اسلام نیز جز از طریق

شخصیت‌های برجسته روحانی و حامیان مشروعیت سنتی نظام همچون روشنفکران مسلمانان صورت نمی‌گیرد.

دوره پنجم: گفتمان اصلاح طلبی

بسترها و زمینه‌های سیاسی - اجتماعی سال‌های ۸۴-۱۳۷۶

در دوم خرداد ۷۶، طیف جدیدی با نام اصلاح‌طلبان که پیش‌تر در جناح چپ سنتی حضور داشتند و از پس نقدهای درون‌گروهی آن سر برآورده بودند، گفتمان اصلاح‌طلبی را با نشانه‌هایی همچون جامعه مدنی، شایسته‌سالاری، حاکمیت مردم، قانون‌گرایی، آزادی، پلورالیسم فکری، تساهل و تسامح و..... برجسته کردند و در هفتمین انتخابات ریاست جمهوری، با مشارکت اکثریت مردم، عهده‌دار قوه مجریه شدند.

در این دوره، اعضای دولت و برخی از چهره‌های اصلاح‌طلب در برابر بعضی نهادها و اختیاراتی همچون شورای نگهبان و نظارت استصوابی دست به انتقاد زدند و عملکرد آن را متعارض با امهات و محکمت قانون اساسی از جمله «جمهوریت» نظام تفسیر کردند (سلام، ۱۳۷۷: ۱). همچنین دولت و حامیان آن در صدد تقویت نهادهای دموکراتیک نظام، مشارکت مدنی، قانون‌گرایی، پاسخگو بودن قدرت و تقدس‌زدایی از آن، قانونمند شدن رویه‌های سیاسی، قرائت‌های مختلف از دین (آقاجری، ۱۳۸۱: ۲۹-۲۸)، حفظ حقوق شهروندی و عقلانیت دینی برآمدند. از منظر دولت، ایجاد اقبال و اجماع مردمی نسبت به نظام را نه در پیروی از دستورها یا اجبار و فقدان انتخاب، سنت یا پذیرش بدون اندیشه و برحسب عادت، بی‌تفاوتی و انفعال، پذیرش مصلحت‌گرایانه و ابزارری یا رضایت و موافقت مشروط، بلکه در موافقت‌های هنجاری می‌باید جستجو کرد (تاجیک، ۱۳۸۲: ۱۹۸). از سوی دیگر دولت تلاش می‌کرد تا جامعه مطلوب را برخوردار از مردمانی معرفی کند که آزادند تا دیدگاه‌های گوناگون خود را ابراز کنند، در مورد مسائل مختلف بحث و تصمیم‌گیری کنند و سرانجام در یک رقابت سالم، نخبگان سیاسی را که طیف متنوعی از افراد را تشکیل می‌دهند، انتخاب کنند.

در این دوره، دولت، مشروعیت مردمی ولایت فقیه را با تاکید بر نظریه «انتخاب»، ناشی از مردم می‌دانست (آفاجری، ۱۳۸۱: ۱۴۷)؛ در حالی که حامیان مشروعیت سنتی نظام، بر نظریه «نصب» ولی فقیه از سوی خداوند و نفی مشروعیت مردمی حکومت تاکید می‌کردند و تنها تکلیف مردم را در حکومت اسلامی، اطاعت از ولی فقیه می‌دانستند (فیرحی، ۱۳۸۲: ۲۹۶). بدین ترتیب، گفتمان اصلاح‌طلبی، با برجسته ساختن «جمهوریت» نظام از طریق استناد به قانون اساسی و تلاش برای اعمال ابزارهای تحقق مردم‌سالاری، مشروعیت قانونی نظام را از هاله‌ای که به دور آن کشیده شده بود، بیرون آورد. با این حال، به نظر می‌رسد این امر به معنی نفی کامل مشروعیت سنتی ساختار قدرت در ایران از جمله حضور روحانیت در نهادهای حکومتی نبود و بخشی از طیف اصلاح‌طلبان که در درون حاکمیت حضور داشتند، در موضع‌گیری‌های خود مشروعیت سنتی نظام را در چارچوبی مشخص و در عین حال پاسخگو تایید می‌کردند و در کنار آن، خواستار تقویت ابزارهای مشروعیت قانونی در چارچوبی مشخص بودند.

متن پنجم

«اگر بگوییم ترور حجاریان برای ضربه زدن به روحیه مردمی بود که قدرت رای خود را در حمایت از پروژه اصلاحات به مخالفان دموکراسی نشان داده‌اند، واقعیت ساده‌ای را بازگو کرده‌ایم..... اگر بگوییم که مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدامی خلاف قانون اساسی برای خارج کردن بخشی از ارگان‌های قدرت از حیطه نظارت قانونی و مردم است، کشف جدیدی نکرده‌ایم..... پروژه اصلاحات..... دو مضمون اصلی دارد. یکی حل و فصل مسئله مشروعیت نظام سیاسی از طریق وجهه جمهوریت نظام به این معنی که نظام سیاسی مشروع، نظام منکی بر رای جمهور، اکثریت مردم است. به نظر می‌رسد الگوی مطلوب حکومت در میان اکثریت مردم اقتداری است که از طریق رای و قوانین منکی بر نهادهای منتخب مردم بدست آمده است..... مضمون

دوم پروژه اصلاحات، تقدس‌زدایی از قدرت زمینی است. نهادهای قدرت و حکومت را آدمیان زمینی ساخته‌اند و آنچه آنها ساخته‌اند قابل نقد و اصلاح است.....»
صبح امروز - چهارشنبه ۷ اردیبهشت ۱۳۷۹ - شماره ۳۶۹

توصیف

• واژگان

- مثبت: قدرت رای، پروژه اصلاحات، نظارت قانونی مردم، جمهوریت، رای جمهور، نقد، اصلاح، تقدس‌زدایی.

- منفی: خلاف، قدرت زمینی.

• افراد و نهادهای مطرح شده در متن

- مثبت: حجاریان، قانون اساسی، مردم، حکومت جمهوری، نهادهای منتخب مردم.

- منفی: مخالفان دموکراسی، مجمع تشخیص مصلحت نظام.

• منابع مشروعیت سیاسی

قانونی (قانون اساسی، وجهه جمهوریت نظام، نظام متکی بر رای اکثریت مردم، رای و قوانین متکی بر نهادهای منتخب مردم).

• تفسیر و تبیین متن

همان گونه که متن نشان می‌دهد، واژه‌های «جمهوریت» و «رای مردم»، از مهم‌ترین واژگانی هستند که به دفعات استفاده شده‌اند. تاکید متن بر نظارت قانونی مردم بر ارگان‌های قدرت و تمایل مردم به نظام جمهوری از سویی و اتکای نظام سیاسی بر رای اکثریت مردم و ضرورت مقبولیت حق اعمال قدرت حکومت از سوی آنان، حاکی از توجه گفتمان دولت بر مشروعیت قانونی است. با این حال، بسیج توده‌ای، مدنظر متن قرار ندارد، بلکه به نظر می‌رسد مشارکت نهادینه مردم از طریق نهادهای دموکراتیک مورد حمایت آن است. از دیدگاه گفتمان دولت، نقش مردم در اداره کشور از آن رو ضروری است که نهادهای قدرت از پشتوانه‌ای سنتی و مذهبی که آن‌ها را از دایره نقد و اصلاح

خارج می‌کند، برخوردار نیستند، بلکه به عنوان حاصل فکر و اندیشه انسان‌ها می‌توانند تکامل یابند و این امر نیز با مراجعه به خرد جمعی افراد جامعه، از راه نقد و اصلاح، امکان‌پذیر است. افراد و نهادهای منفی در متن نیز مخالف رای اکثریت مردم (دموکراسی) هستند و تلاش می‌کنند تا با تصویب قوانین، از حوزه نظارت و مشارکت واقعی مردم در قانون اساسی بکاهند. متن همچنین مشروعیت قانونی نظام سیاسی را از طریق تاکید بر جمهوریت و ابزارهای تحقق آن، مورد حمایت قرار می‌دهد.

دوره ششم: گفتمان اصول‌گرای رادیکال

بسترها و زمینه‌های سیاسی - اجتماعی سال‌های ۸۶-۱۳۸۴

نهمین انتخابات ریاست جمهوری، افول گفتمان اصلاح‌طلبی و ظهور گفتمان جدیدی را به همراه داشت که از درون گفتمان راست سنتی دوره‌های پیش برآمده بود و با دیدگاهی سنتی و ایدئولوژیک، برنامه‌های دولت جدید را در قالب رجعت به دوران طلایی انقلاب اسلامی و ارزش‌های گذشته مطرح می‌کرد (علینی، ۱۳۸۵: ۱۲۶) و برای اداره کشور تلفیقی از اسلام سیاسی رادیکال دوره امام و اندیشه‌های محافظه‌کاری سنتی را ضروری می‌دانست. مهم‌ترین مؤلفه‌های این گفتمان را معنویت، عدالت، مهرورزی، دولت اسلامی، مبارزه با رفاه طلبی، توجه به اقشار محروم، مبارزه با غرب و اسرائیل و..... تشکیل می‌داد. حمایت برخی از شاخص‌ترین روحانیان سنت‌گرا از این گفتمان (شهروند امروز، ۱۳۸۷: ۲۶) از تمرکز و توجه آن برجایگاه روحانیت در نظام سیاسی کشور خبر می‌داد. با این حال، همچون دوره‌های گذشته «مردم» و «مشارکت عمومی»، جایگاه مهمی را در گفتمان اصول‌گرای رادیکال به خود اختصاص می‌دادند، اما به نظر می‌رسد تلقی از آن‌ها، مشارکت ایجابی و تاییدآمیز مردم بود که وجهه‌ای از مردم سالاری (آقاجری، ۱۳۸۱: ۸۴) را محقق می‌کرد. گفتمان دولت در این دوره با برجسته ساختن قداست نظام و مفاهیم آن، همچون ولایت فقیه، به تقویت نهادهای سنتی پرداخت. از منظر این گفتمان، روحانیان و وظایف مهمی همچون تشخیص افراد واجدالشرایط برای احراز پست

و مقام حکومتی به عهده دارند و وظیفه مردم نیز انتخاب اصلح از میان افرادی است که از کانال‌های رسمی نظارت عبور کرده‌اند. در این دوره، مشارکت توده‌ای همچون سال‌های اول پیروزی انقلاب بر مشارکت مدنی اولویت یافت و حاکمیت طبقه روحانیت به عنوان طبقه‌ای ممتاز و متمایز در قالب مولفه‌های گفتمانی دولت همچون نظام امامت، مهدویت، دولت اسلامی، تفسیر انحصاری از دین، ارزش‌های دینی و انقلابی منسجم‌تر شد و در نهایت در کشاکش «اسلامیت» یا «جمهوریت» نظام، این بار اسلامیت نظام سیاسی بر جمهوریت آن غلبه پیدا کرد.

متن ششم

دعوا بر سر چیست؟

«..... در این دوره که باید گفت نزدیک‌ترین دوره به افکار حضرت امام خمینی است عده‌ای فریاد وا اما ما سر می‌دهند. آیا مجلس کنونی که در آن حامیان جریان اصیل اصول‌گرایی و روحانیان برجسته‌ای حضور دارند به اندیشه و میراث امام نزدیکتر نیست؟..... واقعیت این است که ما در دوره «بازگشت به امام» و «بازگشت به توده‌ها» قرار داریم..... و باید بگوییم در دولت و مجلس کنونی عزم‌ها روی دفاع عملی از اسلام و حفظ و تقویت جایگاه روحانیت دلسوز و تقویت منافع و مصالح ملی متمرکز است..... دولت اگر به متن مردم توجه کند مخالفان آن را «پوپولیس» معرفی می‌کنند در حالی که کانون‌های مردمی مثل بسیج، حوزه علمیه و هیئت‌های مذهبی پشتیبان این دولت هستند..... مخالفان گمان می‌کنند که اگر دولت و آیت‌الله مصباح نیروی یک جهت خوانده شوند اصول‌گرایان با همدیگر مشکل پیدا می‌کنند در حالی که چه کسانی بهتر از مصباح و سایر یاران دیرینه امام و چه افرادی مطمئن‌تر از روحانیون حامی جریان اصول‌گرایی که تجربه سالها خدمت به مردم را در حساس‌ترین مکان‌های

حکومتی از گذشته تاکنون دارند، همه عالماند و همه پایه‌پای مبارزات امام پیش آمده‌اند.»

کیهان - پنجشنبه ۲۲ دی ۱۳۸۴ - شماره ۱۸۴۲۹

توصیف

• واژگان

- **مثبت:** جریان اصیل اصول‌گرایی، بازگشت به امام، بازگشت به توده‌ها، دفاع عملی از اسلام، منافع و مصالح ملی، کانون‌های مردمی، پوپولیسم.

- منفی: مشکل.

• افراد و نهادهای مطرح شده در متن

- **مثبت:** حضرت امام خمینی، مجلس کنونی، حامیان جریان اصول‌گرایی، روحانیان برجسته، دولت کنونی، روحانیت، حوزه علمیه، آیت‌الله مصباح یزدی، یاران دیرینه امام، مردم، کانون‌های مردمی.

- منفی: مخالفان.

• منابع مشروعیت سیاسی

سنتی (روحانیت، حوزه علمیه، هیئت‌های مذهبی، روحانیون حامی جریان اصول‌گرایی).

• تفسیر و تبیین اطلاعات متن

متن با قرار دادن مجلس و دولت زیر سایه نهاد روحانیت به طور کلی و روحانیون حامی جریان اصول‌گرایی به طور مشخص، با اشاره به توجه دولت به متن مردم و منافع ملی، درصدد برقراری پیوند بین روحانیت و مردم و یکی دانستن آن‌هاست. بنابراین، بازگشت به سنت‌ها و اندیشه یاران دیرینه رهبر انقلاب همچون چهره‌های شاخص حامی اصول‌گرایان در کنار بازگشت به توده‌ها مطرح می‌شود و منظور از توده هم اشاره به مشارکت توده‌ای و بسیج عمومی سال‌های اول انقلاب است که تنها بر وجه ایجابی و

تایید‌آمیز حضور مردم تاکید می‌کند. به همین دلیل، نهادهای مردمی نه در قالب نهادهای دموکراتیک، بلکه در قالب نهادهای سنتی همچون حوزه‌های علمیه و یا نهادهای خودجوش همچون هیئت‌های مذهبی مطرح می‌شوند. اگرچه در متن به دفعات به امام، مجلس و مردم اشاره شده، اما به نظر می‌رسد در گفتمان اصول‌گرای رادیکال، مشروعیت کاریزماتیک و مشروعیت قانونی در مشروعیت سنتی ادغام می‌شوند و وجه سنتی نظام بر سایر وجوه احاطه می‌یابد.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل در این پژوهش نشان می‌دهد که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تاثیر از عنصر کاریزمایی، سنتی رهبری در اوائل انقلاب، صبغه‌های دینی نظام جدید و جایگاه روحانیت در آن و ضرورت توجه به نقش مردم در حکومت‌های مدرن امروزی از سوی قانون‌گذاران، سه وجه اقتدار سنتی، کاریزماتیک و قانونی را در قالب اصول و قوانین متعددی نهادینه کرده است و به دلیل پیچیدگی ساختار قدرت در ایران، نظام سیاسی بر اساس شرایط و مقتضیات زمانی، هر از گاهی به سوی نوعی از انواع اقتدار میل می‌کند و در نهایت، جامعه ایرانی از پیروزی انقلاب تاکنون، آمیزه‌ای از این سه نوع اقتدار را تجربه کرده است. نتیجه حاصل از این وضع، آشفتگی و سردرگمی ساختار قدرت، به ویژه در دوره‌هایی است که دولت‌ها برای تحقق جامعه مدنی و تقویت نهادهای دموکراتیک تلاش می‌کنند. همچنین به نظر می‌رسد ماهیت قدرت و دولت در جامعه ایران از اهرم‌های ایدئولوژیک و اخلاقی برای مشروعیت بخشی به سیستم حکومتی بهره‌گیری می‌کند. این روند به صورت ارجحیت آموزه‌های مذهبی بر قوانین ناشی از خرد جمعی، سیاسی کردن تمامی عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی، وضع خطوط قرمز بر اساس ملاحظات دینی و عدم تمایز بین امر سیاسی و دینی، نمود پیدا می‌کند. همچنین با ارجحیت نهاد ولایت فقیه و قرار گرفتن آن در رأس تمامی منابع مشروعیت سیاسی، به نظر می‌رسد از زمان پیروزی انقلاب تاکنون، همواره مشروعیت

سنتی نظام به عنوان منبع اصلی مشروعیت مطرح بوده، اگرچه گاه در سایه مشروعیت کاریزماتیک و گاه در کنار مشروعیت قانونی نظام قرار گرفته است. نتایج حاصل از این امر با ارجحیت حاکمیت الهی بر حاکمیت ملی، نقش پدرسالارانه روحانیت در ارتباط با مردم، برتری سنت بر قانون و به موازات آن به حاشیه رفتن مشروعیت قانونی همراه بوده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که مهم‌ترین مولفه گفتمانی دولت‌های طرفدار مشروعیت قانونی نظام پس از انقلاب (لیبرال دموکراسی، سوسیال دموکراسی و اصلاح طلبی)، تاکید بر «جمهوریت» و مشارکت آگاهانه مردم در امور سیاسی است، در حالی که دولت‌های طرفدار مشروعیت سنتی نظام (چپ سنتی، راست میانه و اصول‌گرای رادیکال) با تاکید بر «اسلامیت» از مشارکت توده‌وار مردم زیر نظر نهاد روحانیت حمایت می‌کنند.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بیشترین توجه به مشروعیت قانونی نظام سیاسی در دوره‌های اول و پنجم، از سوی گفتمان‌های سیاسی رسمی لیبرال دموکراسی و اصلاح طلبی با تاکید بر وجه دموکراتیک و جمهوریت نظام صورت گرفته است. همچنین گفتمان‌های سیاسی رسمی در دوره‌های سوم، چهارم و ششم، به رغم حمایت از مشارکت مردمی، با استناد به آموزه‌های دینی و سنت و قدرت و حاکمیت طبقه روحانیت به عنوان طبقه‌ای ممتاز و رهبری‌کننده، نهادهای دموکراتیک را در قالب نهادهای صوری و در راستای تقویت مشروعیت سنتی نظام، مورد استفاده قرار می‌دهند.

همچنین به نظر می‌رسد تحکیم تدریجی اما مداوم مشروعیت سنتی نظام با ادغام دو عنصر کاریزمایی، سنتی در امام (ره)، تصویب اصل ولایت فقیه، ارجحیت حاکمیت الهی بر حاکمیت ملی، نقش پدرسالارانه روحانیت در ارتباط با مردم، برتری سنت بر قانون و... از اولین سال پیروزی انقلاب اسلامی صورت گرفته و به موازات آن مشروعیت قانونی به حاشیه رفته است.

به طور کلی می‌توان گفت تحول گفتمان‌های سیاسی رسمی پس از انقلاب اسلامی در حوزه مشروعیت سیاسی، از گفتمانی (لیبرال دموکراسی) با تاکید بر مشروعیت قانونی

نظام، آغاز و به گفتمانی (اصول‌گرای رادیکال) با تاکید بر مشروعیت سنتی - ایدئولوژیک ختم شده است. این امر نشان دهنده تمایل قدرت سیاسی در ایران به حفظ پایه سنت‌گرایی و تعبیر فقهی و ایدئولوژیک از حکومت است. در این راستا به نظر می‌رسد در آینده، مشروعیت قانونی در نظام جمهوری اسلامی ایران تحت تاثیر وجود مجراها و کانال‌های رسمی متأثر از سنت‌های دینی، عملاً از مولفه‌های مشروعیت قانونی در مباحث تئوریک فاصله می‌گیرد و مشخصه‌های خاص نظام جمهوری اسلامی را پیدا می‌کند.

پیشنهادها

۱- به نظر می‌رسد برای کاهش پیامدهای ناشی از جابه‌جایی مشروعیت ساختار قدرت در جامعه ایران که به ندرت بدون ایجاد تنش، درگیری و منازعات گفتمانی صورت می‌گیرد، باید به نقد سنت و شناخت خلاءهای موجود در حوزه تفسیر مدرن از قدرت، مشروعیت و دولت مبادرت ورزید و با برقراری پیوندی عمیق و ارگانیک میان سنت‌های پالایش شده و شرایط مدرن، امکان اصلاح ساختار سیاسی و اجتماعی را مهیا کرد.

۲- اصلاح قانون اساسی به عنوان سند مادر در جمهوری اسلامی و تقویت جایگاه مشروعیت قانونی در آن از طریق کنترل نهادهای غیرمدنی، ایجاد شفافیت در اصول مربوط به مشروعیت ساختار سیاسی و توسعه نهادهای مدنی می‌تواند به حل مسألت آمیز اختلافات در قدرت سیاسی و جابه‌جایی گفتمان‌های سیاسی رسمی با حداقل تبعات و منازعات گفتمانی یاری رساند.

۳- کوشش برای عقلانی‌تر کردن روابط و مناسبات قدرت و تعیین حد و مرزهای اعمال آن در جامعه می‌تواند تنش و تضاد ناشی از منابع متعدد مشروعیت سیاسی را به حداقل رساند.

۴- تلاش برای رفع تیرگی در قانون اساسی که در طول سال‌های اخیر از طریق ارائه برخی لایحه‌ها مورد تاکید قرار گرفته است، می‌تواند در کاهش عوامل نوسان اقتدار و مشروعیت نظام سیاسی امروز ایران موثر باشد و به تقویت جایگاه مشروعیت قانونی در ساختار سیاسی کشور منجر شود.

۵- جامعه متکثر و پیچیده ایران امروز نیازمند حضور گفتمان‌های سیاسی رسمی در عرصه سیاست است که با ارائه نظریه‌ها و ایده‌های خلاقانه در حوزه‌های گوناگون از جمله مشروعیت سیاسی قدرت بتوانند در ساماندهی جامعه و حرکت آن به سمت توسعه، پیشرفت و امنیت موثر باشد. براین اساس مبنای قرار دادن مولفه‌هایی همچون قانون‌گرایی، اصل تفکیک قوا و جابه‌جایی و انتقال قدرت سیاسی از طریق انتخابات و مشارکت اکثریت مردم به ایجاد فضای سالم رقابتی ضروری است.

منابع

- «اختلاف رئیس‌جمهور با نخست‌وزیر افزایش یافت». انقلاب اسلامی. چهارشنبه ۷ آبان ۱۳۵۹. سال دوم، شماره ۳۸۷.
- استونز، راب. متفکران بزرگ جامعه‌شناسی. ترجمه مهرداد میردامادی. تهران: نشر مرکز. ۱۳۷۹.
- آقاجری، هاشم. حکومت دینی و حکومت دموکراتیک. تهران: موسسه نشر و تحقیقات ذکر. ۱۳۸۱.
- «آیت‌الله مشکینی، بنیانگذار گفتمان جدید اصول‌گرایی». شهروند امروز. نوروز ۱۳۸۷. سال سوم. شماره ۴۱.
- بشیریه، حسین. دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران. تهران: نشر نگاه معاصر. ۱۳۸۲.
- _____ عقل در سیاست. تهران: نشر نگاه معاصر. ۱۳۸۳.
- تاجیک، محمدرضا. تجربه بازی سیاسی در میان ایرانیان. تهران: نشر نی. ۱۳۸۲.

- تنهایی، ابوالحسن. درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی. مشهد: نشر مرندیز. ۱۳۷۹.

- جوانبخت، محمود. شهید رجایی. تهران: انتشارات مدرسه. ۱۳۸۲.

- حسینی زاده، محمدعلی. اسلام سیاسی در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه مفید. ۱۳۸۶.

- خمینی، آیت‌الله سیدروح‌الله. صحیفه نور، ج ۲۱. تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. ۱۳۷۱.

- «رئوس برنامه‌های ده‌ساله بازسازی کشور، ایجاد تحول در صنایع زیربنایی، بهبود اوضاع اقتصادی و رفاه جامعه». اطلاعات. شنبه ۱۴ مرداد ۱۳۶۸، شماره ۱۸۸۱۷.

- سلطانی، علی‌اصغر. قدرت، گفتمان و زبان. تهران: نشرنی. ۱۳۸۲.

- _____ «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش» فصلنامه علوم سیاسی. سال هفتم. شماره ۲۸.

- ظریفیان شفیعی، غلامرضا. دین و دولت در اسلام. تهران: موسسه علمی و فرهنگی میراث. ۱۳۷۶.

- علینی، محسن. «بررسی علل و عوامل اجتماعی تأثیرپذیری ساختار قدرت از فرهنگ روستایی در جامعه ایران (پس از انقلاب اسلامی)». رساله دکتری جامعه‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی. ۱۳۸۵.

- فیرحی، داود. نظام سیاسی و دولت در اسلام. تهران: انتشارات سمت. ۱۳۸۲.

- قبادزاده، ناصر. روایتی آسیب‌شناختی از گسست نظام و مردم در دهه دوم انقلاب. تهران: فرهنگ گفتمان. ۱۳۸۱.

- کدی، نیکی. نتایج انقلاب ایران. ترجمه مهدوی حقیقت خواه. تهران: ققنوس.

- « مشاور سیاسی رئیس جمهور: یکی از پیام‌های دوم خرداد باز کردن انسداد سیاسی در جامعه بود.» سلام . شنبه ۸ فروردین ۱۳۷۷
- مظفر، محمدجواد. اولین رئیس جمهور. تهران: انتشارات کویر. ۱۳۷۸.
- «نخست‌وزیر: هرگونه برنامه‌ریزی اقتصادی باید با دیدگاه‌های ایدئولوژیک جامعه مطابقت کند.» کیهان. پنجشنبه ۱۵ آذر ۱۳۶۰.
- وبر، ماکس. شهر در گذر زمان. ترجمه شیوا کاویانی. تهران: شرکت سهامی انتشار. ۱۳۷۳.
- وردی‌نژاد، فریدون. «قانون اساسی و حقوق شهروندان» در جمهوری و انقلاب اسلامی. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. ۱۳۷۷.
- Greth.H.H and C. Wright Mills, from maxweber, Essays, in Society London, 1961.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی